

پژوهش‌های قرآن و حدیث

سال چهل و هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴
Pajuhesh-ha-ye Quran va Hadith
صص ۲۲۳-۲۴۶
Vol. 48, No. 2, Autumn and Winter 2015-2016

تبیین ریشه‌های قرآنی اندیشه کلامی اعجاز قرآن

فرزانه روحانی مشهدی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۲/۱۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۳/۱۲)

چکیده

برخی اندیشمندان میان «اعجاز» قرآن در اصطلاح متکلمان و «الهی بودن» این کتاب فرق نهاده، در همسویی اندیشه اعجاز قرآن با آیات قرآن تشکیک کرده‌اند. از سوی دیگر بعضی دانشمندان برای دفاع از اعجاز ذاتی قرآن در برابر اندیشه «صرفه»، دلالت آیات موسوم به تحدی را کافی ندانسته و بر اجماع امت تکیه دارند. گویا نقش قرآن به عنوان سرچشمه اندیشه کلامی اعجاز قرآن چندان شناخته نیست. در این پژوهش با استناد به بیان‌های گوناگون قرآن روشن می‌شود که این کتاب آسمانی، همه مولفه‌های مذکور در تعریف کلامی معجزه را دارد؛ یعنی علاوه بر الاهی بودن، خارق‌العاده و موجب اتمام حجت است. در نتیجه، ریشه قرآنی اندیشه اعجاز قرآن به آیات تحدی محدود نیست بلکه تعبیرهای گوناگونی در قرآن مانند اطلاق لفظ آیه بر عبارت‌های قرآن و بر معجزات پیامبران پیشین بر خلاف کتب آسمانی دیگر، اوصاف شگفت‌انگیز قرآن، شهادت قرآن بر رسالت پیامبر(ص)، ارجاع به قرآن در برابر درخواست معجزه از سوی کافران، ... مبین اعجاز ذاتی این کتاب آسمانی است.

کلیدواژه‌ها: آیه، اعجاز ذاتی، اعجاز قرآن، تحدی، صرفه، وجوه اعجاز قرآن.

۱. استادیار گروه سیستم‌های قرآن پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی.

۱. طرح مسئله

اندیشمندان میان «اعجاز» قرآن و «الهی بودن» این کتاب فرق می‌نهند؛ با این استدلال که تورات و انجیل از سوی خدا بود ولی اثبات صدق موسی^(ع) و عیسی^(ع) به وسیله تورات و انجیل نبود و خود این کتاب‌ها معجزه نبودند بلکه اثبات تورات و انجیل به دلیل صدق و معجزه نیاز داشت [۱۷، ج ۳۶]. موسی^(ع) هرگز در برابر مخالفانش بر نزول تورات احتجاج نکرد و تنها میان یارانش که به راستی او باور داشتند، از تورات یاد می‌کرد. او زمانی که ادعای نبوت کرد به اموری مانند تبدیل عصا و غیره تحدی نمود. اما قرآن، هم کتاب آسمانی و هم معجزه پیامبرخاتم^(ص) است که بدان تحدی کرده است [۹، ص ۲۲؛ ۱۴، ص ۲۷۷].

از سویی اندیشه اعجاز قرآن از قرن سوم در میان دانشمندان مسلمان شکل گرفت و در قرن چهارم هجری به اوج رسید. در قرن‌های اول و دوم هجری، ادیبان و سخنوران در برابر هموردی قرآن اظهار عجز کرده و عالمان و مفسران بدون اهتمام و توجه ویژه از کنار مسائل در پیوند با اعجاز قرآن گذشته [۴۶، ص ۱۹۰] و آیات تحدی در قرآن را صرفاً مدعای محکم قرآن بر درستی دعوی پیامبر اکرم^(ص) و اصالت و «از جانب خدا بودن» آن می‌دانستند. با بحث‌های برآمده در جامعه اسلامی طی قرن‌های نخستین، به تدریج مفهوم «اعجاز قرآن» و تقلیدناپذیری آن همراه با تبیین وجه اعجاز قرآن، صورت‌بندی کامل‌تری پیدا کرد و در این باره، نظریه‌های گوناگون در پایان قرن سوم هجری از جانب متکلمان اسلامی - عموماً معتزله - ارائه شد [۴۲، ص ۱۳۷]. دو خاستگاه تاریخی برای پیدایش و نظریه‌پردازی درباب وجه اعجاز قرآن در قرن‌های نخست بازشناسی می‌گردد: نخست بحث‌ها و مناظره‌های کلامی مسیحیان و مسلمانان درباب نشانه‌های نبوت حضرت محمد^(ص) و دوم تلاش‌های ادبی و کلامی معتزله بصره و بغداد [۴۲، ص ۱۱۳].

سیرتطور اندیشه اعجاز قرآن نیز نشان می‌دهد که این اندیشه اسلامی، پیش از آنکه خاستگاه قرآنی داشته و مورد عنایت مفسران باشد، برآمده از بحث‌های دینی، مذهبی و کلامی است؛ حتی برخی دانشمندان در مقام دفاع از اعجاز ذاتی قرآن در برابر معتقدان به صرفه، گویا دلالت آیات قرآن بر اعجاز را کافی ندانسته و بر اجماع امت - چهارمین و آخرین منبع معتبر نزد دانشمندان مسلمان - به عنوان سرچشمه اندیشه اعجاز قرآن تاکید می‌کنند [۲۱، ج ۲، ص ۲۲۷؛ ۲۴، ج ۲، ص ۲۳۹].

به نظر می‌رسد، نقش قرآن و سنت به عنوان سرچشمه اندیشه اعجاز از بین منابع

معتبر چهارگانه هنوز هم چندان که باید، شناخته نیست و تنها موردی که به عنوان دلیل قرآنی اعجاز عموماً مورد بحث قرار گرفته، آیات موسوم به «آیات تحدی» است. آسیب بنا نهادن اندیشه اعجاز بر آیات تحدی این است که این آیات از سوی طرفداران نظریه صرفه در جهت نفی اعجاز ذاتی قرآن تفسیر می‌شود؛ در حالی که اندیشه کلامی اعجاز، ریشه‌ها و سرچشمه‌های متعدد و فراوان در قرآن دارد. در این پژوهش کوشش می‌شود، ریشه‌های اندیشه اعجاز قرآن و نه تنها الهی بودن آن در آیات قرآن جستجو و تبیین گردد.

متکلمان معجزه را این گونه تعریف می‌کنند: مدعی منصب الهی، به عنوان گواه صدق ادعای خود، عملی خارق‌العاده انجام دهد، که دیگران از آوردن مانند آن ناتوان باشند [۲۴، ج ۲، ص ۲۳۸؛ ۱۳، ص ۳۵-۳۶].
 اکنون با بررسی آیاتی که بر اعجاز قرآن اشارت دارد، مؤلفه‌های تعریف فوق درباره قرآن در خود قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. ریشه‌های قرآنی اندیشه اعجاز قرآن

خداوند حکیم در قرآن بیان‌های گوناگونی دارد که معجزه بودن قرآن در اصطلاح متکلمان را نشان می‌دهد. اگرچه همه این بیان‌ها صریح نیستند، اما در کنار آیات موسوم به تحدی، با تدبّر در آیات مربوط به اوصاف قرآن و آیاتی که به تبیین آثار قرآن پرداخته است، همچنین آیاتی که از واکنش رسول خدا(ص) در برابر کافرانی سخن می‌گوید که درخواست معجزه داشتند، می‌توان نشان داد که قرآن، همان کارکرد معجزه در اصطلاح علم کلام را برای خود اثبات می‌کند. در ادامه دلایل و نشانه‌های این مطلب با تدبّر در آیات قرآن بررسی می‌شود.

۲.۱. اطلاق لفظ آیه بر عبارت‌های قرآن و بر معجزات پیامبران پیشین

قرآن همواره بر آثار هدایت‌بخش خود تاکید می‌کند، از جمله می‌فرماید: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» [الاسراء: ۹] همچنان که بر «آیت» بودن عبارت‌های خود اصرار می‌ورزد و می‌فرماید: «المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ» [الرعد: ۱]

این مسئله نشانگر آن است که خداوند به هر دو جنبه «الهی بودن» و «معجزه

بودن» قرآن به یک اندازه عنایت دارد زیرا «آیه» در فرهنگ قرآن با مفهوم کلامی «معجزه» پیوندی نزدیک دارد.

واژه آیه ۳۸۲ بار در قرآن و در صورت‌های مفرد و جمع، معرفه و نکره به کار رفته است. آیه در لغت به معنای علامت و نشان [۳۷، ج ۸، ص ۴۴۱]، عبرت و جماعت [۷، ج ۱۴، ص ۶۲] آمده است. پژوهش‌های جدید در فرهنگ لغات عربی نشان می‌دهد، معنای عبرت برای لفظ آیه برگرفته از نگرش تفسیری لغویان نسبت به کاربردهای قرآنی این واژه بوده و آیه در فرهنگ جاهلی در سه معنای اصلی کاربرد داشته است؛ اول، نشان منزلگه یار؛ دوم، علم و رایت؛ سوم، نشان یک امر غیرمادی [۲، ص ۲۵]. بررسی کاربردهای این کلمه در قرآن مصادیق زیر را برای آن آشکار می‌سازد:

۱. آیات قرآن [البقره: ۹۹ و ۲۵۲] و آیات الاحکام [البقره: ۲۱۹].
۲. آیات بینات پیامبران یعنی همان معجزه در اصطلاح علم کلام [البقره: ۲۱۱؛ الاعراف: ۷۳؛ طه: ۲۲؛...].
۳. پدیده‌هایی در آفاق، یعنی عالم طبیعت [یونس: ۶؛ النحل: ۶۷ و ۶۹] یا در انفس، یعنی سنت‌های الهی در عالم انسان‌ها و جامعه بشری [الذاریات: ۵۳؛ ۳۲، ج ۱۷، ص ۴۰۴] مانند رویدادهایی در سرگذشت مردمان پیشین [یوسف: ۷؛ شعراء: ۸] و رویدادهایی در آینده حیات بشر [الانعام: ۶۵-۱۵۸؛ آل عمران: ۱۰۶-۱۰۸].

وجه مشترک هر سه مصداق فوق مصدر الهی آن است؛ مصداق دوم و سوم، یعنی معجزات پیامبران و پدیده‌های طبیعی هردو برای بشر عادی غیر قابل تقلیدند پس قرآن نیز باید اینگونه باشد؛ همانگونه که در آیاتی، «از جانب رب بودن» آیات [آل عمران: ۴۹] و نسبت آیات با الله [الکهف: ۱۷؛ الغافر: ۴] مورد اشاره است. بنابراین قرآن نیز مانند عصای موسی [الاعراف: ۱۰۶ و ۱۰۷] و دم عیسی [آل عمران: ۴۹] و نیز همچون پدیده‌هایی چون روز و شب و خورشید و... [النحل: ۱۲؛ یس: ۳۷] و یا شبیه یاری غیرمنتظره و معجزه‌آسای مؤمنان در برابر کافران [آل عمران: ۱۳] - که خداوند آن را سنت خود خوانده است [یونس: ۱۰۳] - پدیده‌ای خدایی و غیرقابل نظیرآوری از سوی بشر عادی است. پس نشانه و علامت منشأ و مصدر الهی آن و نشانه رابطه آورنده آن با خداوند است، همان که متکلمان با تعبیر «گواه صدق» از آن یاد می‌کنند. مراد از صدق، راستگویی در ادعای رابطه با خداوند از طریق وحی و دریافت رسالت از جانب اوست

[الاعراف: ۱۰۴؛ الشعراء: ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۶۲ و ۱۷۸] همان که در تعریف کلامی اعجاز با تعبیر «مدعی منصب الهی» از آن یاد می‌شود.

از سوی دیگر در قرآن لفظ آیه به کتاب‌های آسمانی پیشین چون تورات و انجیل اطلاق نشده است و این کتاب‌ها در اوصافی مانند هدایت [آل عمران: ۴؛ المائدة: ۴۴؛ القصص: ۴۹]، نور [المائدة: ۴۴] موعظه و تفصیل [الاعراف: ۱۴۵؛ الانعام: ۱۵۴] حاوی حکم‌الله [المائدة: ۴۳] و وعدالله [التوبه: ۱۱۱] با قرآن مشترک‌اند. در این صورت «آیه» بودن عبارت‌های قرآن تنها بر الهی بودن آن دلالت ندارد زیرا کتاب‌های آسمانی پیشین نیز منشأ الهی دارند؛ بلکه «آیه» بودن بر سایر ویژگی‌های پدیده‌هایی که به عنوان «آیه» از سوی پیامبران ارائه شده است، مانند عدم نظیر آوری از سوی بشر و نشانه بودن برای امری یا سببی غیرمادی و خارق‌العاده که مبدأ غیبی دارد، نیز دلالت دارد.

شایان ذکر است که مفسران ذیل برخی آیات، کتاب‌های آسمانی را مصداقی برای لفظ «آیه» شمرده‌اند اما بررسی تفصیلی این آیات در ادامه نشان می‌دهد، دلیل قطعی بر چنین تطبیقی وجود ندارد؛ بلکه در همه این موارد مصادیق دیگر محتمل‌ترند.

الف) «نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ * مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ» [آل عمران: ۳ و ۴]

در میان مفسران زمخشری، کتاب‌های آسمانی را یکی از مصادیق «آیات» در آیه فوق شمرده است [۲۲، ج ۱، ص ۳۳۶] اما غالب مفسران مصداق آن را یا آیات قرآن و رسالت پیامبر خاتم (ص) دانسته [۴۴، ج ۲، ص ۴۲۰] و یا آن را عموم آیات عرضه شده از سوی پیامبران شمرده [۳۳، ج ۳، ص ۱۱۲] و یا به مصداق آن تصریح نکرده‌اند [۳۲، ج ۳، ص ۱۰؛ ۱۴، ج ۷، ص ۱۳۴]. با توجه به سیاق آیات که سخن از حقانیت قرآن و همراستایی پیام آن با تورات و انجیل است، به نظر می‌رسد همانگونه که بیشتر مفسران بیان کرده‌اند، مراد از «کفر به آیات الله» کفر اهل کتاب نسبت به قرآن و نشانه‌های حقانیت رسول خدا باشد.

ب) «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوُا اللَّهَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» [المائدة: ۴۴].

اغلب مفسران مخاطب «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي» را یهود عصر نزول و مصداق «آیات» را تورات دانسته‌اند [۳۲، ج ۵، ص ۳۴۴؛ ۲۲، ج ۱، ص ۶۳۸؛ ۱۴، ج ۱۲، ص ۳۶۷] اما با توجه به سیاق، می‌توان احتمال‌های دیگری نیز طرح کرد. در این فراز از آیات سوره مائده خداوند از کافران یهود سخن می‌گوید که بنا داشتند، تنها احکامی را از رسول خدا به عنوان حکم الهی بپذیرند که مطابق خواسته آن‌ها و تورات تحریف شده باشد [المائده: ۴۱-۴۳؛ ۴۴، ج ۴، ص ۳۸۵] اما رسول خدا آنان را به حکم خداوند در تورات اصیل ارجاع داد و به همین جهت اهل کتاب از آن جناب اعراض کردند [۳۲، ج ۵، ص ۵۵۴]؛ آنگاه ضمن تأکید بر حقانیت پیام تورات اصلی و ستایش آن دسته از اهل کتاب که تسلیم احکام آن هستند، التفاتی می‌نماید و سخن را از غیبت متوجه خطاب می‌کند و می‌فرماید: «از مردم نهراسید و از من بهراسید و آیات مرا ارزان مفروشید.» و سپس در نکوهش کسانی سخن می‌گوید که بر اساس احکام الهی حکم نمی‌کنند.

در ابتدا به نظر می‌رسد، منظور از آیات، احکامی است که در تورات اصیل بوده و پیامبر^(ص) از آن خبر داده است و یهود عمل به آن را خوش نداشتند. در این صورت امر می‌کند که برای منافع ناچیز دنیوی آن را کنار نگذارید. اما می‌توان احتمال دیگری نیز طرح نمود و آن اینکه منظور از آیات، همان خبر دادن پیامبر از احکام تورات واقعی است؛ در حالی که کسی از مردم آن روز جز برخی علماء یهود به تورات واقعی دسترسی نداشت [آل عمران: ۹۳]. به این ترتیب بیان احکام تورات توسط پیامبر^(ص) از آیات و نشانه‌های حقانیت پیامبر^(ص) است. از سویی این آیات نشانگر آن است که حکم محل بحث، در اسلام و یهود یکسان بوده است زیرا در پایان بحث می‌فرماید: «در میان آنان بنابر آنچه خداوند فرو فرستاده است داوری کن و از خواسته‌های آنان پیروی مکن و از آنان بپرهیز مبادا تو را در برخی از آنچه خداوند به سوی تو فرو فرستاده است به فتنه اندازند.» [المائده: ۴۹] پس مصداق «آیات» می‌تواند، آیات قرآن حاوی حکم الهی و یا نشانه‌های حقانیت رسول خدا به واسطه خبر دادن از تورات اصیل باشد. از این رو در آیه بعد به افشای احکام دیگر تورات درباره قصاص می‌پردازد که آیه‌ای از قرآن را هم به خود اختصاص داده است [المائده: ۴۵].

با توجه به این نکته شاید بتوان مخاطب «وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي» را نیز مسلمانان دانست به‌ویژه آنکه پیش از ورود به بحث یهود و احکام تورات، حکم قطع دست دزد [المائده: ۳۸] بیان شده است و در پایان بحث هم حکم قصاص بیان می‌شود که از آیات الاحکام قرآن است و در ادامه بر تصدیق انجیل نسبت به تورات [المائده: ۴۶] و تصدیق

قرآن نسبت به هر دو کتاب پیشین [المائده: ۴۸] و هربار بر مسئله حکم نمودن بر اساس احکام الهی تاکید می‌کند. گویا در این سیاق، موضوع سخن همانندی برخی احکام این سه کتاب با وجود تفاوت‌های در روش پیروان این سه دین است [المائده: ۴۸] و مراد از آیات، عبارات قرآنی دال بر این مشابهت‌هاست.

ج) «وَ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ إِيَّايَ فَاتَّقُون» [البقره: ۴۱].

آیه فوق نیز مفسر آیه پیشین است زیرا اهل کتاب را مورد خطاب قرار داده و از آنان خواسته به آنچه از جانب خدا نازل شده و کتاب آنان را تصدیق می‌کند، ایمان بیاورند و آیات الهی را به بهای اندک نفروشند. بنابراین مراد از آیات الهی همان مطالب نازل شده مؤید کتاب‌های آنان در قرآن، یعنی اخبار رسول خدا از تورات اصیل است که نسبت به عموم مردم در غیب بود [۳۳، ج ۱، ص ۱۹۴]. این احتمال نیز قابل طرح است که مراد از آیات، نشانه حقانیت رسول خدا است که در گفتار و کردار ایشان نمایان است و با پیش‌گویی کتاب مقدس هماهنگ است [الشعراء: ۱۹۷].

د) «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» [الجمعه: ۵].

در این آیه در سیاق عدم پایبندی یهود به تورات [۳۲، ج ۱۹، ص ۲۶۶] از تکذیب آیات الهی سخن می‌گوید. اغلب مفسران مصداق «آیات» را به طور عام دلایل، حجج و بیناتی که یهود مشاهده کرده است [۳۳، ج ۲۸، ص ۶۴؛ ۳۴، ج ۱۰، ص ۵] و از جمله نشانه‌های صحت نبوت رسول خدا [۲۲، ج ۴، ص ۵۳۰] می‌دانند اما به نظر نمی‌رسد، تطبیق «آیات» با تورات در آیه فوق - آنچنان که رازی بیان کرده‌است - احتمال صحیحی باشد. او در تبیین این احتمال می‌گوید: زیرا یهود با تکذیب محمد (ص)، در واقع تورات را تکذیب کرده‌اند [۱۴، ج ۳۰، ص ۵۴۰] در حالی که بنابر این سخن متعلق اول تکذیب، رسول خدا است و نه تورات. بنابراین مراد از «آیات» نشانه‌های حقانیت رسول خدا و تطابق صفات او با بشارت‌های تورات است که کفار یهود با وجود علم به این مسئله رسول خدا را تکذیب کردند؛ همانگونه که می‌فرماید: «أ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ» [الشعراء: ۱۹۷].

ه) «يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتَيْتَكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ اتَّقَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» [الاعراف: ۳۵].

در این آیه، ارائه آیات از سوی رسولان با فعلی از ریشه «قصص» بیان شده است. معنای این فعل در اصل تبعیت و دنباله‌روی است، این ریشه در باب افتعال به معنای روایت کردن خبر است و هرگاه با حرف اضافه «عن» همراه شود، در همین معنا به کار رفته است [۱۱، ج ۳، ص ۸۸۲] مانند آیه «تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا...» [الاعراف: ۱۰۱] علامه طباطبائی نیز منظور از «قص» را بیان و تفصیل آیات دانسته است، چون در این کلمه هم معنای قطع هست و هم معنای اظهار [۳۲، ج ۸، ص ۸۶]. اما در تفسیر نمونه به عرضه آیات، تفسیر شده است [۴۴، ج ۶، ص ۱۶۱]. بسیاری از مفسران معنای آن را واضح دانسته به آن اشاره نکرده‌اند [۱۴، ج ۱۴، ص ۲۳۵؛ ۲۲، ج ۲، ص ۱۰۲؛ ۳۴، ج ۴، ص ۳۹۲؛ ۴۰، ج ۵، ص ۸۱]. اما برخی چون طبری، دو احتمال را در معنای این فعل رسولان روا دانسته‌اند: تلاوت آیات کتاب و معرفی نشانه‌های راستی آنچه از سوی خدا آورده‌اند [۳۳، ج ۸، ص ۱۲۴].

در میان چهار معنای عرضه آیات، بیان آیات، معرفی نشانه‌های صدق و تلاوت آیات، معنای آخر مستلزم اطلاق لفظ «آیه» به جملات کتب رسولان پیشین است. اما سه معنای دیگر با چنین الزامی همراه نیست؛ زیرا بیان یا عرضه یا معرفی کردن آیات می‌تواند به روایت سرگذشت امت‌های پیشین که خداوند آن را «آیه» برای آیندگان قرار داده [یوسف: ۷؛ شعراء: ۸] اشاره کند؛ به ویژه آنکه کاربرد فعل «قص» برای بیان قصه‌ها بسیار محتمل‌تر از کاربرد آن برای ارائه معجزات حسی یا دلایل عقلی است، همانگونه که در آیه «تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا...» [الاعراف: ۱۰۱] به کار رفته است. ضمن آنکه آیه بودن بیان سرگذشت اقوام پیشین علاوه بر آنکه موجب عبرت آیندگان است، می‌تواند نشانه راستی پیامبران در دعوتشان و به اصطلاح معجزه باشد زیرا بسیاری از این اخبار به طریق عادی برای مردمان عصر رسولان قابل دسترسی نبود [۱۹، ص ۱۴].

در این صورت تنها دیدگاه تفسیری «تلاوت کلمات» درباره «يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي» موجب اطلاق لفظ آیه به کلمات کتب آسمانی پیشین است که به نظر می‌رسد در رقابت با دیدگاه تفسیری «بیان سرگذشت اقوام پیشین» احتمال تفسیر به «تلاوت کلمات» تضعیف‌گردد زیرا از جهت هماهنگی با فعل «قص» و سازگاری با سایر دیدگاه‌ها ضعیف‌تر است.

و «... وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا...» [الزمر: ۷۱].

آیه فوق در مقام وصف حالت کافران در روز قیامت است که دربانان جهنم از آنان می‌پرسند، آیا رسولانی از جنس خودتان بر شما نیامد که آیات پروردگارتان را بر شما تلاوت کند. از آنجا که تلاوت آیات به همه رسولان نسبت داده شده است، اگر آنگونه که راغب می‌گوید، تلاوت تنها برای کتاب‌های آسمانی به‌کار رود، گاه برای قرائت آن و گاه برای عمل به دستورات آن [۱۵، ص ۸۲] در آن صورت به عبارتهای کتب آسمانی پیشین نیز لفظ «آیه» اطلاق شده است.

معنای اصلی ریشه «تلاو» تبعیت و پیروی است [۳۷، ج ۸، ص ۱۳۴]. این ریشه ۶۳ بار در قرآن برای تلاوت کتاب‌های آسمانی، تلاوت آیات قرآن و در معنای پیروی [القمر: ۲؛ هود: ۱۷] به‌کاررفته است. برخی لغویان برای تلاوت قرآن معنای ویژه‌ای ذکر نکرده و در کنار معنای پیروی به عنوان یکی از کاربردهای این ریشه از آن یاد کرده‌اند [۱۱، ج ۵، ص ۱۸۲۸]. از آنجا که ورود کاربردهای معنایی جدید از یک ریشه، مستلزم پیوند و شباهتی با معنای اصلی ریشه است، لازم است روشن شود، چه قرابت و شباهتی میان مفهوم پیروی و خواندن قرآن وجود دارد که خداوند حکیم در کلام خود به جای واژه قرائت از واژه تلاوت استفاده می‌کند. ابن فارس بر آنست که دلیل کاربرد این ریشه در معنای خواندن این است که آیه‌ای در پی آیه دیگر خوانده می‌شود [۵، ص ۱۳۸]. اما راغب می‌گوید، «تلی» بر سه حالت از تبعیت دلالت دارد، یا دنباله‌روی با جسم یا با پیروی دستورات و یا با خواندن و تدبیر در معنا [۱۵، ص ۸۲]. این مطالب دلیل پیوند معنای تلاوت قرآن با معنای پیروی را روشن نمی‌سازد، زیرا در دلیل ابن فارس آیات در پی یکدیگر می‌آیند، درحالی‌که فاعل تلاوت قاری آیات است و نه آیات. راغب نیز دلیل روشنی بیان نمی‌کند. اما با مراجعه به کاربردهای قرآنی این واژه، می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که دلیل اطلاق لفظ تلاوت برای قرائت آیات قرآن این است که رسول خدا در قرائت آیات - همانگونه که خداوند به ایشان دستور می‌دهد [القیامة: ۱۸] - از وحی تبعیت می‌کرد و از پیش خود نمی‌خواند و مومنان نیز در قرائت آیات قرآن باید از ایشان تبعیت کرده و آن را تحریف نکنند [۲۲، ج ۱، ص ۱۸۳] و از احکام و دستورات آن پیروی کنند [فاطر: ۲۹].

اکثر مفسران نیز در تفسیر این واژه در آیه ۱۲۱ بقره، حداقل به عنوان یکی از دو معنای احتمالی گفته‌اند: «یتبعونه حق اتباعه» و برخی نیز به حدیث استشهاد کرده‌اند [۴۲، ج ۱، ص ۴۲۹؛ ۲۵، ج ۱، ص ۱۱۱؛ ۱۴، ج ۴، ص ۳۰؛ ۳۳، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ۳۴، ج ۱، ص ۴۴۱].

اما آنجا که این واژه با حرف اضافه «علی» همراه می‌شود، به نظر می‌رسد، «متلوّ علیه» به پیروی فراخوانده می‌شود، مانند آیاتی که از تلاوت آیات از سوی خداوند بر رسول خدا و از سوی رسول خدا بر مردم سخن می‌گوید [البقره: ۱۲۹؛ آل عمران: ۵۸]. علامه طباطبائی در ذیل آیه ۱۰۲ بقره می‌گوید شیاطین علیه ملک و سلطنت سلیمان از سحر استفاده می‌کردند و معنای جدید «جعل و تکذیب» برای «تتلو» به دلیل تعدیه با حرف «علی» به دست آمده است [۳۲، ج ۱، ص ۲۳۵] اما این معنا برای سایر کاربردهای این فعل با حرف «علی» در قرآن، نادرست است.

بنا بر فرضیه پیش گفته و با در نظر گرفتن معنای «به پیروی خواندن» برای فعل «تلی علی...»، آیه ۱۰۲ بقره چنین معنا می‌شود: از آن چیزی پیروی کردند که شیاطین می‌خواستند ملک سلیمان را به پیروی از آن بکشاند و آن چیز حاصل استراق سمع شیاطین و رموز سحر بود که می‌خواستند به وسیله آن ملک سلیمان را تسخیر کنند. بنابراین همانگونه که در آیه ۱۰۲ بقره این فعل برای سحر شیاطین به کار رفته است، تلاوت آیات بر مردم به معنای دعوت از مردم برای پیروی از آیات و نشانه‌ها برای رسیدن به ذی‌الایه است و می‌تواند به همه انواع آیات و نه فقط عبارات کتب آسمانی اشاره داشته باشد. در نتیجه در همه آیات فوق لفظ آیه بر چیزی غیر از کلمات کتب پیشین اطلاق شده است، یعنی قرآن تنها کتاب الهی است که فرازهای آن به وصف «آیات» درآمده تا نشانه‌ای برای راستی آورنده‌اش باشد.

۲.۲. اوصاف شگفت‌انگیز قرآن

برخی مفسران از بعضی اشارات قرآن، آثار شگفت‌انگیز حسی و مادی شبیه به معجزات حسی پیامبران پیشین را برای قرآن نتیجه گرفته‌اند. دو آیه زیر نمونه‌ای از این اشارات هستند:

۲.۲.۱. فروپاشیدن کوه

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأُمُثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» [الحشر: ۲۱].

در آیه فوق اثرگذاری قرآن بر دل مؤمنان به پدیده‌ای شگفت چون متلاشی شدن کوه تمثیل و تشبیه شده است [۳۲، ج ۱۹، ص ۲۲۱؛ ۳۳، ج ۲۸، ص ۳۵]؛ پس می‌توان نتیجه گرفت آثار معنوی قرآن رویدادی است که از لحاظ شگفتی و عظمت با پدیده‌ای

از جنس معجزات حسّی پیامبران پیشین معادل و مشابه است و این قرآن - همان گونه که در تعریف کلامی معجزه قید شده است - پدیده‌ای خارق‌العاده محسوب می‌شود.

۲.۲.۲. به حرکت در آمدن کوه‌ها، شکافته شدن زمین و به سخن آمدن مردگان
 «وَلَوْ أَنْ قُرْآنًا سُرِّتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلِ اللَّهُ الْأَمْرُ جَمِيعاً...» [الرعد: ۳۱].

در آیه فوق که یکی از نمونه‌های صنعت ادبی ایجاز حذف در قرآن است، آثار شگفتی درباره قرآن در قالب جمله‌ای شرطی بیان شده اما جواب شرط ذکر نشده است، گویا جواب شرط روشن است. مفسران در تبیین جواب شرط دو احتمال را مطرح کرده‌اند: الف) اگر قرآنی اینگونه شگفت‌انگیز بود، باز به خداوند رحمان کافر می‌گشتند [۳۳، ج ۱۲، ص ۳۰۲؛ ۳۲، ج ۱۱، ص ۳۵۹]. ب) اگر قرآنی اینگونه شگفت‌انگیز بود، آن قرآن همین قرآن بود [۳۴، ج ۶، ص ۲۵۳؛ ۲۲، ج ۲، ص ۵۲۹].

در حالت اول ویژگی‌های شگفت مذکور در آیه، از این قرآن نفی می‌شود و در حالت دوم این ویژگی‌ها به قرآن نسبت داده شده یا آنکه عظمت و شگفتی قرآن معادل چنین اوصافی قرار داده شده است [۳۲، ج ۱۱، ص ۳۵۹].

در تفسیر اول جواب شرط از آیه پیش به دست آمده است که می‌فرماید با وجود ارسال رسول و تلاوت وحی در امت، آنان به رحمان کفر می‌ورزند [الرعد: ۳۰] و این سیاق قرینه‌ای برای جواب شرط در آیه بعد شده است تا این معنا را به دست دهد که حتی اگر قرآنی با این ویژگی‌های عجیب به آنان عرضه شود، آنان کفر خواهند ورزید. در این صورت این آثار از قرآن موجود نفی می‌شود اما از نگاهی دیگر، این آیه ویژگی‌ها و آثار معنوی قرآن را هم‌ردیف آثاری چون سخن گفتن مردگان و شکافته شدن زمین دانسته است زیرا از کفر کافران به قرآن نتیجه می‌گیرد که اگر قرآنی با این آثار شگفت هم وجود داشت، باز ایمان نمی‌آوردند؛ یعنی قرآن معادل این آثار حسّی، آثاری شگفت و معنوی دارد که نادیده گرفتن آن معادل نادیده انگاشتن چنان آثار حسّی است همانگونه که باقلانی [۸، ص ۵] از آیات ۷ انعام و ۱۴ و ۱۵ حجر چنین استنباطی دارد. اما در تفسیر دوم، ادامه همان آیه قرینه‌ای است برای آنکه چنین آثاری از قرآن شگفت نیست زیرا امر به دست خداست و هر زمان امر کند این آثار به وسیله قرآن پدید خواهد آمد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، قرآن آثاری شگفت یا از جنس معجزات حسّی پیامبران

پیشین یا از جنسی دیگر و به همان اندازه شگفت‌انگیز دارد. به همین جهت بسیاری از کافران، قرآن را سحر می‌خواندند [سبأ: ۴۳؛ الاحقاف: ۷؛ المدثر: ۲۴] همانگونه که معجزات موسی (ع) و پیامبران پیشین را سحر می‌شمردند [المائدة: ۱۱۰].

۳.۲. شهادت خداوند از طریق کلام قرآن بر حقانیت رسول

خداوند در آیاتی چند از قرآن در پاسخ به منکران قرآن [الاحقاف: ۸] و رسالت پیامبر (ص)، بر شهادت خود به رسالت به عنوان دلیلی کافی استناد می‌کند [الرعد: ۴۳؛ النساء: ۷۹؛ النساء: ۱۶۶؛ الاسراء: ۹۶؛ العنکبوت: ۵۲].

بنابر نظر برخی مفسران، شهادت خداوند بر رسالت به معنای اظهار معجزات به دست رسول خدا است که نشان حقانیت و صدق دعوت اوست [۱۴، ج ۱۹، ص ۵۴؛ ۲۲، ج ۲، ص ۵۳۶؛ همان، ج ۱، ص ۵۹۲؛ ۳، ج ۷، ص ۱۶۵]. اما علامه طباطبائی در تفسیر آیه آخر سوره رعد، شهادت خداوند را همان نزول قرآن به عنوان معجزه بر پیامبر دانسته و در نقد نظر پیشین می‌گوید: «زمینه گفتار در این سوره بیان این جهت بود که کفار منکر حقیقت کتاب‌اند و آن را آیتی الهی نمی‌دانند و لذا از رسول خدا (ص) درخواست آیتی غیر آن می‌کردند، چنانکه در این سوره در خلال آیاتش چند نوبت این معنا را از کفار حکایت نمود... بنابراین معنا ندارد با همان راه استشهاد کند. پس قطعاً استشهاد به قرآن است و استناد به قرآن هم از این جهت است که قرآن آیت و معجزه بر صدق رسالت است، یعنی کلام الهی است که به رسالت آن جناب شهادت می‌دهد و با اینکه به قرآن استشهاد شده و قرآن هم معجزه و هم از مقوله کلام است، دیگر چه معنا دارد که ما شهادت را از مقوله فعل گرفته و آن را شهادت مجازی بدانیم. علاوه بر اینکه ممکن است قبول نکنیم که دلالت فعل خدای تعالی بر صدق رسالت، اقوای از قول و کلام او باشد. پس معنای جمله «كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ» این است که آنچه در قرآن در باره تصدیق رسالت آمده، شهادت الهی بر رسالت است.» در این صورت شهادت خداوند به حقانیت رسول الله به وسیله کلام خود در قرآن بر اعجاز قرآن دلالت دارد.

همچنین بنابر مفاد آیه ۴۳ رعد، گواهی کسی که علم به کتاب نزد اوست، در کنار خداوند در تأیید رسالت پیامبر خاتم (ص) کافی است. مفسران درباره مراد از «علم الكتاب» دیدگاه‌ها و احتمال‌های گوناگونی مطرح کرده‌اند. یکی آنکه مراد از کتاب قرآن است؛ یعنی هر که علم به قرآن دارد، اعجاز آن را درک می‌کند و بر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت دعوت او گواهی می‌دهد [۱۴، ج ۱۹، ص ۵۵؛ ۲۲، ج ۲، ص ۵۳۶؛ ۳، ج ۷،

ص ۱۶۵]. بنا بر این دیدگاه تفسیری نیز، اطلاق عنوان «آیات» بر فرازهای قرآن بر اعجاز آن دلالت دارد.

۴.۲. تمامیت قرآن در انذار و ارجاع کافران خواستار معجزه به قرآن

قرآن در برابر کسانی که از رسول خدا درخواست معجزه‌ای از جنس معجزات حسّی داشتند، آنان را به این کتاب ارجاع داده و بر کفایت این کتاب به عنوان نشانه و گواه صدق او تاکید کرده است [العنکبوت: ۵۰-۵۱]. همچنین بنا بر آیات فراوان در قرآن، شنیدن آیات قرآن موجب اتمام حجت است، مانند آیاتی که بر نذیر بودن قرآن تاکید می‌کند [الفرقان: ۱؛ الشعراء: ۱۹۴] و به رسول خدا فرمان می‌دهد آیات قرآن را به گوش مشرکان برساند [التوبه: ۶] یا آیاتی که خروج از ظلمات به سوی نور را از آثار تلاوت قرآن شمرده است [الطلاق: ۱۱] همانگونه که برای معجزات موسی^(ع) چنین اثری قائل است [ابراهیم: ۵]. باقلانی بر آنست که با استناد به این آیات می‌توان بر اعجاز قرآن استدلال نمود زیرا خداوند خبر می‌دهد که قرآن برای هدایت مردم نازل شده است و این امر ممکن نخواهد شد مگر آنکه قرآن حجت باشد و قرآن حجت نیست مگر آنکه معجزه باشد [۹، ص ۹] و سپس ادعا می‌کند که همه سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند، فراوان از این مطلب سخن گفته‌اند. مثلاً در سوره مؤمن پس از اشاره به فرود آمدن کتاب از جانب الله [غافر: ۲]، کافران را به دلیل مجادله در آیات الله مذمت می‌کند [غافر: ۴] سپس از تکذیب امت‌های پیشین نسبت به رسولان یاد می‌کند [غافر: ۵-۶] و به عاقبت مومنان و کافران به آیات اشاره می‌کند [غافر: ۷-۱۲] آنگاه از القاء روح قرآن با هدف انذار یاد می‌کند و سخن را به آغاز کلام وصل می‌نماید. باقلانی همین روح قرآن را سبب انذار می‌شمرد. دوباره پس از ذکر عاقبت مخالفان آیات و معجزات و بیان مفصل داستان موسی^(ع) و مواجهه مردم با آیات، دلیل عناد و مجادله در برابر معجزات را تکبر می‌خواند و با ذکر ریشه کفر نشان می‌دهد حجت قرآن تمام است و کافران در برابر قرآن حجتی ندارند و جهل آنان مانع از فهم برهان قرآن شده است. در ادامه پس از ذکر آیات توحید در پایان سوره از آیاتی سخن می‌گوید که هنگام ظهور آن هیچ عذری پذیرفته نخواهد بود، تکلیف برداشته و هلاک واقع خواهد شد [غافر: ۸۵]. او در آیات سوره فصلت نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند و نشان می‌دهد، آیات قرآن، برهان و حجتی کامل و کافی برای هدایت است و از این مسأله نتیجه می‌گیرد که قرآن لزوماً معجزه است؛ زیرا معجزات با هدف اتمام حجت ارائه می‌شوند [۹، ص ۱۰-۱۴]. بنا بر این

قرآن معجزه پیامبرخاتم^(ص) و همچون معجزات پیامبران پیشین، خارق‌العاده و موجب اتمام حجت است، اگرچه ممکن است خارق‌العاده بودن قرآن به واسطه آثار معنوی یا اخبار غیبی و جهاتی دیگر باشد که در هر عصر و زمانی قابل‌درک است و از جنس خوارق عادات مادی که از راه حواس درک می‌شود و محدود به زمان رخداد آن است، نباشد [ع، ج ۶، ص ۲۶۰؛ ۲۲، ج ۳، ص ۴۵۹].

۲. ۵. تحدی به سوره‌های قرآن

در آیاتی چند از قرآن، خداوند از منکران قرآن دعوت می‌کند که سخن، سوره یا سوره‌هایی مانند قرآن بیاورند [الطور: ۳۳ و ۳۴؛ هود: ۱۳؛ یونس: ۳۸؛ البقره: ۲۳-۲۴؛ الاسراء: ۸۸؛ القصص: ۴۹]. سپس می‌فرماید اگر نتوانستند، باید بدانند که این کتاب از جانب خداوند و بر اساس علم الهی نازل شده است [هود: ۱۴]. در برخی از این آیات خداوند به طور قطعی خبر می‌دهد که هرگز بشری نخواهد توانست کلامی به مانند قرآن ارائه دهد [البقره: ۲۳-۲۴؛ الاسراء: ۸۸].

این آیات به جهت مشابهت با رسمی عربی به آیات تحدی موسوم شده‌اند. بنابر نظر برخی محققان، زمانی که جدل مخالفان درباره قرآن به اوج خود رسید، مسئله تحدی مطرح شد و آیات قرآن پیوسته مشرکان را به ناتوانی متصف می‌کرد و از آنان می‌خواست اگر راست می‌گویند همانندی برای قرآن یا سوره‌ای همانند سوره‌های آن بیاورند. این مسئله ادامه یافت تا اوایل دوران مدینه که آیات سوره بقره نازل شد و پس از آن که ناتوانی همه اعراب از آوردن سوره‌ای همانند قرآن آشکار گشت و بدین ترتیب حجت بر آنان تمام شد و بر آنان لازم آمد به صدق معجزه اعتراف کنند، بدان جدل عقیم پایان داد [۳۶، ص ۱۹۰].

اگرچه در تبیین آیات تحدی میان اندیشمندان از جهات گوناگونی اختلاف نظر وجود دارد [۸] اما عموم معتقدان به اعجاز قرآن، خاستگاه قرآنی این اندیشه را آیات تحدی دانسته و برای یافتن سرآغاز بحث‌های اعجاز قرآن میان دانشمندان، به این آیات در کتب تفسیری متقدم مراجعه نموده‌اند [۴۶].

برخی از سیر زمانی این آیات از یک کتاب مثل قرآن، ده سوره و در پایان یک سوره دفاع می‌کنند [۲۱، ج ۲، ص ۱۱۰؛ ۲۲، ج ۲، ص ۳۴۷؛ ۱۶، ص ۱۹۶] و برخی براساس روایات ترتیب نزول چنین سیری را نمی‌پذیرند و دلیل تفاوت حدّ مورد تحدی از کتاب

را در فضای نزول [۲۷، ۴، ص ۱۸۶۱] و مضامین سوره [۳۲، ج ۱۰، ص ۱۶۳؛ همان، ج ۱، ص ۱۶۷] جستجو می‌کنند.

همچنین دیدگاه‌ها درباره دایره شمول مخاطبان تحدّی گوناگون است. برخی مخاطب تحدّی را همه افراد جنّ و انس در همه اعصار با هرگونه و رتبه از توان و تخصص می‌دانند [۳۲، ج ۱، ص ۶۰؛ ۱۵] اما گروه دیگر تنها عرب عصر نزول و به ویژه فصیحان عرب آن دوران را مخاطب این آیات می‌دانند و معتقدند، اعجاز در هر عصری بپاست و اختصاص به مردمی که در یک دوران یا زمان خاص زندگی می‌کنند ندارد و اگر اعراب عصر بعثت تنها مخاطبان تحدّی بوده‌اند، بدان سبب است که آن‌ها صاحبان این زبان یعنی زبان عربی بوده و اسرار بیان و بلاغت آن را درک می‌کردند. بنابراین در تحدّی قرآن آنچه معیار است ناتوانی سخنوران عرب عصر بعثت در آوردن همانندی برای قرآن است، بی آنکه از این مسئله چنین استنباط شود که دلالت اعجاز آن بر صحت نبوت، خاصّ یک عصر معین و نه سایر اعصار، و خاصّ اعراب و نه غیر عرب است [۳۶، ص ۶۴]؛ درحالی‌که با توجه به آنکه جنبه هدایت و انذار و اتمام حجت قرآن همچنان باقی است، تحدّی قرآن نیز باید همواره و نسبت به همه انسان‌ها برقرار باشد. اختلاف دیگر وجه مورد تحدّی است که برخی به جنبه‌های لفظی و ادبی توجه نموده و گروهی دیگر بر معارف قرآن و ویژگی‌های هدایت بخشی آن تاکید کرده [۱۰] و برخی به ویژگی‌های آورنده قرآن به عنوان وجه مورد تحدّی اشاره کرده‌اند [۳۲، ج ۱، ص ۵۸].

می‌توان عمده نظریات موجود درباره وجه اعجاز قرآن را در شش رویکرد عمده و در قالب دو دیدگاه پذیرش یا عدم پذیرش اعجاز ذاتی قرآن به شرح زیر خلاصه نمود:

الف) عدم پذیرش اعجاز ذاتی قرآن

۱. اعتقاد به صرفه به عنوان تنها وجه اعجاز قرآن ضمن ارج نهادن به ویژگی‌های ممتاز قرآن در بلاغت و تشریح و اخبار از غیب و... [۲۳].

ب) پذیرش اعجاز ذاتی قرآن

۲. منحصر دانستن وجه اعجاز در جنبه‌های ادبی و بلاغی [۹، ۲۷، ۲۹، ۳۶].
 ۳. پذیرش وجه بلاغی به عنوان وجه فرعی و تاکید بر وجه محتوایی و هدایت‌بخشی به عنوان وجه اصلی [۱۰؛ ۴۱].

۴. پذیرش وجوه متعدد، هریک برای مخاطبی با تخصص در آن وجه [۳۲، ج ۱، ص ۶۰].

۵. پذیرش وجوه متعدد در کنار هم که تنها به شرط همراهی می‌توانند مبین اعجاز باشند و عدم کفایت هر وجه به تنهایی [۳۱؛ ۱۰]

۶. شرط همراهی وجه اوصاف آورنده قرآن با سایر وجوه اعجاز ذاتی [۳۲، ج ۱، ص ۶۳]

تمام این گروه‌ها- به جز طرفداران نظریه صرفه- آیات تحدی را ملهم اندیشه اعجاز قرآن و دال بر اعجاز ذاتی قرآن دانسته‌اند. طرفداران نظریه صرفه نیز با اعتراف به برتری‌های ادبی، فصاحت و نظم قرآن، اعجاز قرآن را در «صرف الهی» دانسته‌اند، به این معنا که اراده الهی مانع از تحقق هم‌آورد برای قرآن می‌گردد [۲۳، ص ۲۶۰]. متکلمان نیز شرط همراهی با تحدی را در تعریف معجزه وارد نموده‌اند.

طرفداران نظریه صرفه در نفی اعجاز ذاتی قرآن به دو آیه استناد کرده‌اند:

الف: «وَ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» [الانفال: ۳۱].

ب: «سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» [الاعراف: ۱۴۶].

اما این آیات با توجه به مجموعه قرآن نمی‌تواند دلالتی تام در این جهت داشته باشد. «آیه ۳۱ انفال گرچه نقل قول معاندان است و قرآن به صراحت به ابطال آن نپرداخته، اما در مجموع از آیات ۳۰ تا ۳۲ که حاوی بعضی از ادعاهای باطل آنان است می‌توان به بطلان گفته آنان پی‌برد؛ به ویژه که این سوره مدنی است و پس از نزول همه آیات تحدی نازل شده است، پس چگونه در مدت این چند سال برای یک بار هم تجربه نکردند و به عدم توانایی خود پی‌نبردند. دلالت آیه ۱۴۶ اعراف نیز متناسب با مذهب صرفه نیست بلکه مقصود از صرفه در آیه آن است که افراد متکبر و معاند به جهت اعمال فاسدشان توفیق ایمان و فهم آیات الهی را از دست می‌دهند و در حقیقت «ضلالت مکافات» نصیب آن‌ها می‌گردد، مفسرانی چون طبری، طبرسی و بیضاوی این معنا را پذیرفته‌اند.» [۳۹، ص ۶۵].

در نتیجه آیات قرآن به گونه‌های پنج‌گانه مذکور، بر اعجاز این کتاب آسمانی و الهی دلالت دارد و اگر طرفداران صرفه استدلال به آیات تحدی را بر اعجاز ذاتی قرآن کافی

ندانند، لازم است به جای سخن گفتن از اجماع امت، به چهارگونه بیان دیگر قرآن در این باره ارجاع داده شوند، ضمن آنکه دلایل قرآنی مورد استناد آنان و نحوه استنباط آنان از این آیات صحیح نیست.

۲.۵.۱. وجه تحدی در قرآن

یکی از مسائلی که از آغاز پیدایش گفتمان اعجاز در میان اندیشمندان محل بحث بوده، وجه یا وجوه اعجاز قرآن است؛ یعنی اینکه قرآن از چه جهت معجزه است و همانندی و مثلثیت در آیات تحدی ناظر به کدام ویژگی قرآن است. اولین نظریه‌هایی که در باب وجوه اعجاز قرآن در پایان قرن سوم هجری از سوی اندیشمندان مسلمان ارائه شد، ناظر به سه وجه صرفه، نظم قرآن و اخبار از غیب بود [۴۲، ص ۱۳۸] اما پس از آن برخی دانشمندان در گسترش این وجوه کوشیدند تا جایی که سیوطی از سی و پنج وجه برای اعجاز یاد می‌کند [۲۶] و رضایی اصفهانی هشتاد و یک بُعد از ابعاد اعجاز قرآن را جمع‌آوری کرده است [۱۸]. اندیشمندان در درستی دلالت همه این ویژگی‌ها بر اعجاز قرآن که در آثار مختلف به عنوان وجه اعجاز قرآن شمرده می‌شود، هم‌داستان نیستند. این وجوه در یک نگاه کلی یا وابسته به الفاظ قرآن یا در پیوند با معارف و مضامین قرآن و یا ناظر به شخصیت و احوال آورنده قرآن هستند. هر یک از این سه وجه کلی که همه وجوه تحدی مذکور برای قرآن را پوشش می‌دهد، قابل عرضه به آیات قرآن است تا روشن شود آیا قرآن این وجوه را از ویژگی‌های اعجازگونه خود می‌شمرد یا خیر.

وجه لفظی و ادبی

بسیاری از محققان حوزه اعجاز قرآن، همچون باقلانی، جرجانی، رمانی و خطابی محسنات لفظی و معنوی قرآن که به وسیله علوم بلاغی قابل‌شناسایی و تبیین است، وجه اعجاز قرآن شمرده و تحدی قرآن را دعوت به آوردن سوره‌ای به‌مانند سوره‌های قرآن از جهت زیبایی‌های بلاغی و نظم آن دانسته‌اند [۳۶، ص ۱۰۰]. برخی این وجه را تنها وجه مورد اجماع دانشمندان دانسته و کاستی‌های سایر وجوه را برشمرده‌اند [۳۶، ص ۲۸؛ ۲۳۹، ص ۳۰؛ ۸۸]. این وجه با اصطلاحاتی چون فصاحت، بلاغت، نظم، سبک، اسلوب و طریقه قرآن یاد شده‌است. اکنون آیاتی که بیانگر این جنبه از قرآن و خارق‌العاده بودن آن است، بررسی خواهد شد.

روانی و شیوایی زبانی

در آیات چندی از قرآن کریم به عربی بودن زبان قرآن [الشعراء: ۱۹۵؛ النحل: ۱۰۳]، مبین و روشنگر بودن آن [یس: ۶۹؛ الحجر: ۱؛ النمل: ۱] و گنگ نبودن و بدون ناراستی بودن [الزمر: ۲۸] آن اشاره شده است. ابن منظور لفظ عربی را منسوب به العرب دانسته است [۷، ج ۱، ص ۵۸۶] اما راغب آن را به کلام فصیح در برابر اعجمی معنا کرده است [۱۵، ۳۳۱] همانگونه که کاربرد این واژه در آیه ۴۴ فصلت نشان می‌دهد. حال چنانچه معنای فصیح را برای واژه عربی صحیح بدانیم، این آیات بر برتری‌های زبانی، فصاحت و شیوایی کلام قرآن دلالت دارد [۹، ص ۷].

اسلوب ویژه

قرآن در ردّ کسانی که پیامبر را ساحر یا کاهن می‌خواندند [سبا: ۴۳؛ الاحقاف: ۷؛ المدثر: ۲۴]، سبک بیان خود را نه از جنس شعر شاعرانه و نه سجع کاهنانه بلکه کلامی ویژه می‌داند که حاصل وحی فرستاده امین بر پیامبر (ص) است [الحاقه: ۴۰-۴۳؛ الشعراء: ۱۹۲-۲۱۳]. این سخن به نوعی ویژه بودن سبک قرآن را به رخ می‌کشد و تأییدی است بر کسانی که اسلوب ویژه قرآن را غیر قابل تقلید و وجه تحدّی می‌دانند [۲۹، ص ۳۲۰؛ ۲۸، ص ۲۳۹؛ ۳۶، ص ۱۳۰].

تأثیرگذاری بر دل

در آیاتی چند از قرآن کریم خداوند متعال از اثر معنوی تلاوت آیات قرآن بر قلوب مومنان و ازدیاد ایمان [الانفال: ۲] و لرزش پوست آنان و خشیت ایشان و در پی آن اطمینان و آرامش آنها [الزمر: ۲۳] سخن می‌گوید و چنان که یاد شد، گاه این اثر قلبی به آثار شگفتی چون شکافته شدن کوه‌ها و زنده شدن مردگان تشبیه شده است [الحشر: ۲۱؛ الرعد: ۳۱]. همچنین به نقل قرآن، برخی کافران در مواجهه با کلام الهی آن را سحر خوانده‌اند که از شگفت‌زدگی آنان حکایت دارد [الانبیاء: ۳؛ المدثر: ۲۴]. این تعبیرها گویای آثار برخاسته از بلاغت قرآن است که جان و دل مخاطب را تسخیر می‌کند و مؤید دیدگاهی است که اثرگذاری کلامی قرآن را وجه تحدّی آن می‌شمرد [۳۶، ص ۱۰۱؛ ۲۹، ص ۳۲۰؛ ۲۸، ص ۲۳۹].

نظم آماری

یکی از بحث‌هایی که در سال‌های اخیر توجه محققان را به خود جلب کرده است، تکرار

معنادار الفاظ در قرآن است، به گونه‌ای که برخی با عنوان اعجاز عددی از آن یاد کرده‌اند و تناسب آماری الفاظ را یکی از وجوه تحدی و نشانگر اعجاز قرآن دانسته‌اند [۴۷؛ ۳۸]. یکی از آیاتی که مستند اعجاز عددی است، آیه «کتاب مرقوم» [مطففین: ۹؛ ۲۰] است [۱۲]. در حالی که مطالعه سیاق سوره مطففین نشان می‌دهد مراد از کتاب مرقوم، نامه اعمال بندگان است و آنچه به رقم درآمده، اعمال آنان است؛ همانگونه که از اصحاب کهف به خاطر ثبت اسامی آنان با عنوان اصحاب الرقیم یاد نموده‌است [الکهف: ۹؛ ۳۲، ج ۱۳، ص ۲۴۶]. به نظر می‌رسد آیه ۲۱ حجر که از نزول همه اشیاء به اندازه معلوم و معین از خزائن الهی سخن می‌گوید، شامل الفاظ و عبارات قرآن نیز هست و مویدی بر تقدیر حساب شده کار بست الفاظ و تکرار آن‌ها در قرآن است.

وجه معرفتی و علمی

یکی از وجوهی که از آغاز شکل‌گیری اندیشه اعجاز به عنوان وجه اعجاز مورد اشاره صاحب‌نظران بوده، وجه اخبار از غیب است، یعنی خداوند دانای سر [الفرقان: ۶] به علم نامحدود خود از مطالبی خبر داده که بر بشر پوشیده‌است [هود: ۱۴]. اما با توجه به تعریف‌های مختلف غیب، این وجه می‌تواند همه برتری‌های محتوایی قرآن را شامل باشد. چنانچه مراد از غیب، غیب نسبی باشد، یعنی چیزی که نسبت به حواس انسان و یا نسبت به انسان محدود در زمان و مکان خاصی پوشیده است؛ در این صورت آیاتی که حاوی اشاره‌های علمی است، یکی از مصادیق اخبار از غیب خواهد بود زیرا سخن از ریزه‌کاری‌هایی در پدیده‌های طبیعی است که در زمان نزول قرآن بر انسان پوشیده بوده و با پیشرفت علم و فناوری و گسترش دامنه دانش حسّی و تجربی، برای او آشکار شده است. همچنین سرگذشت رسولان که بسیاری از بخش‌های آن بر مردمان عصر نزول پنهان بوده [هود: ۴۹] و نیز پیشگویی‌های محقق شده قرآن درباره برخی رویدادهای روزگار رسول اکرم (ص) [روم: ۱] از این دست است [۱۳، ص ۷۰]. به نظر می‌رسد، خبر آشکار شدن آیات و نشانه‌های حقانیت قرآن در آفاق و انفس [فصلت: ۵۳] به همین دو مورد اشاره دارد [۳۲، ج ۱۷، ص ۴۰۴].

به همین جهت خداوند نه فقط خود پدیده‌ها بلکه بیان قرآن نسبت به پدیده‌های طبیعی را بارها به طور ویژه آیت خوانده [الانعام: ۹۷؛ یونس: ۵؛ الرعد: ۲] و بیان سرگذشت رسولان را خبرهایی غیبی می‌داند [آل عمران: ۴۴] که پیامبر و قوم او آن را نمی‌دانسته‌اند [هود: ۴۹] و آن را به طور خاص حاوی آیت‌ها می‌شمرد [یوسف: ۷].

اگر غیب را به مفهوم غیب مطلق و به تعبیر قرآن «غیب السماوات و الارض» در نظر بگیریم که به شهادت آیه ۳۳ بقره حتی از فرشتگان نیز پوشیده است، در آن صورت آیاتی که از مبدأ و معاد سخن می‌گوید و ویژگی‌های خداوند و رویدادهای قیامت را به تصویر می‌کشد نیز از جمله مصادیق اخبار از غیب خواهد بود. این اخبار از علمی هستند که جز از طریق وحی قابل دسترسی نیستند [نساء: ۱۱۳؛ البقره: ۳]. بر این اساس برخی اندیشمندان واژه آیت را چنین تعریف کرده‌اند: «نشانه‌ای برای مفهومی در غیب که خود امکان حضور در عالم شهود را ندارد.» [۴۳، ج ۲۶، ص ۶۷۲] در این صورت آیت بودن قرآن به معنای بیان نشانه‌هایی از مفاهیم غیبی نیز هست و بنابر این آیات وصف مبدأ و معاد و پدیده‌های فرامادی همچون جن و ملک از این جهت آیت است. اگرچه به دلیل عدم امکان راستی‌آزمایی این دسته از معارف توسط بشر، شاید نتوان این مصداق را وجه اعجاز دانست.

در نتیجه همه وجوه اعجاز محتوایی در بیان اعجاز پژوهان، مصادیقی از وجه اخبار از غیب شمرده می‌شوند. به عنوان نمونه، اخبار غیبی قرآن درباره مبدأ و معاد را اعجاز معرفتی [۳۵]، اخبار غیبی درباره قصص گذشتگان یا پیش‌گویی درباره رویدادهای عصر نزول را اعجاز تاریخی [۴۵]، اخبار غیبی یا پیش‌گویی درباره رویدادهای آینده و آخرالزمان را اعجاز آینده‌پژوهی [۲۰]، اخبار غیبی درباره اسرار آفرینش را اعجاز علمی [۱۷] و اخبار غیبی درباره اسرار زندگی فردی و اجتماعی انسان و دستورات قرآن در این زمینه را اعجاز تشریحی [۴] نامیده‌اند.

وجه آورنده (رسول امین و امی)

برخی مفسران با ارجاع ضمیر در «مِنْ مِثْلِهِ» به پیامبر (ص) در آیات تحدّی برخی ویژگی‌های ایشان را از نشانه‌های «موّید الهی بودن» قرآن دانسته و نتیجه گرفته‌اند، مثلثیت در تحدّی از آن حیث است که مردی قرآن را آورده است که بی‌سواد و درس نخوانده بوده و تعلیمی ندیده و این معارف عالی و گرانبها و بیانات بدیع و بی‌سابقه و متقن را از احدی از مردم نگرفته است [۳۲، ج ۱، ص ۵۸]. برخی دیگر، حالت‌های پیامبر در انتظار و دریافت وحی [البقره: ۱۴۴] را نشانه «موّید الهی بودن» قرآن گرفته‌اند [۲۳، ص ۲۷۶]. چه بسا تطابق ویژگی‌های رسول خدا با بشارت‌های ادیان نیز موّید حقانیت ایشان باشد [الشعرا: ۱۹۷] اما باید توجه داشت این موارد تنها به عنوان قرینه‌ای خارجی، بر الهی بودن قرآن دلالت دارد و هیچ‌یک به تنهایی اعجاز قرآن را ثابت نمی‌کند.

۳. نتایج

۱. با استفاده از آیات گوناگونی از قرآن روشن می‌شود، کتاب آسمانی پیامبر خاتم نه تنها الهی و از جانب خداست، بلکه خارق‌العاده و نشانه حقانیت دعوت او و موجب اتمام حجت است، یعنی اندیشه اعجاز قرآن ریشه در قرآن دارد که مهم‌تر و معتبرتر از اجماع دانشمندان امت است.
۲. واژه «آیه» در قرآن بر معجزات پیامبران پیشین و بر عبارت‌های قرآن اطلاق شده و برای دیگر کتاب‌های آسمانی به کار نرفته و این امر نشانگر دلالت این لفظ بر مفهوم معجزه و خارق‌العاده بودن است.
۳. بنابر آیات قرآن، این کتاب آثار شگفت‌انگیز مادی یا معنوی بردل و جان انسان‌ها دارد که هم‌پایه آثار شگفت‌انگیز معجزات حسی پیامبران پیشین، همچون شکافته‌شدن دریا و زنده شدن مردگان و... است.
۴. آیات فراوانی در قرآن، شنیدن آیات قرآن را در اتمام حجت و ادای وظیفه انذار از سوی رسول خدا کافی می‌داند و از آنجایی که بنابر دیدگاه متکلمان، اتمام حجت مستلزم ارائه معجزه است؛ پس بنابر این آیات می‌توان بر اندیشه کلامی اعجاز قرآن استدلال کرد.
۵. با وجود اختلاف فراوانی که از جنبه‌های گوناگون میان دانشمندان درباره آیات تحدی وجود دارد، همه آن‌ها آیات تحدی را ملهم اندیشه اعجاز قرآن می‌دانند اگرچه طرفداران نظریه صرفه این آیات را در اثبات اعجاز ذاتی قرآن کافی نمی‌دانند.
۶. دلایل قرآنی و استنباط طرفداران نظریه صرفه از آیات قرآن برای نفی اعجاز ذاتی قرآن مخدوش است.
۷. سه وجه بیانی، اخبار از غیب و صفات آورنده برای اعجاز قرآن، همه وجوه مذکور در پژوهش‌های اعجاز را شامل است و آیات متعددی از قرآن بر هر یک از این وجوه سه‌گانه گواه است.

منابع

- [۱]. قرآن
- [۲]. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۰). *واکوی و معادل‌یابی تعدادی از واژگان قرآن کریم*، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- [۳]. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب

العلمیه.

- [۴]. ابراهیم‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹). «اعجاز تشریحی قرآن»، آینه معرفت، دانشگاه شهیدبهشتی، شماره ۲۴، صص ۱۳۵-۱۶۰.
- [۵]. ابن‌فارس، ابوالحسین احمد (۱۳۸۷). *ترتیب مقایس اللغه*، ترتیب: علی عسکری و حیدر مسجدی، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه.
- [۶]. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه: منشورات محمد علی بیضون.
- [۷]. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم (۱۴۲۶). *لسان‌العرب*، بیروت، دارالکتب‌العلمیه.
- [۸]. اخوان‌مقدم، زهره (۱۳۹۱). «تحدی در محک عقل و نقل و نقد سیرنزولی آیات موسوم به آن»، اولین همایش اعجاز قرآن کریم، ایران، تهران، پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۱۷۲-۱۹۰.
- [۹]. باقلانی، ابوبکر محمد بن الطیب (۱۴۲۹). *اعجاز القرآن*، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۱۰]. پهلوان، منصور (۱۳۸۲). «تحقیق در وجه اعجاز قرآن کریم»، سفینه، تهران، شماره ۱، صص ۵-۱۷.
- [۱۱]. جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد (۱۴۲۶). *تاج اللغه و صحاح العربیه، الطبعة الرابعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۲]. خلیفه، رشاد (۱۳۶۵). *اعجاز قرآن*، ترجمه سید محمد تقی آیت‌اللهی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- [۱۳]. خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *البيان فی تفسیر القرآن*، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- [۱۴]. رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر، الطبعة الثالثة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۵]. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۸). *المفردات، الطبعة الخامسة*، بیروت، دارالمعرفه.
- [۱۶]. رافعی، مصطفی صادق، *اعجاز القرآن و البلاغة النبویة*، دار الکتب العربیه.
- [۱۷]. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۹). «چیستی و چالش‌های اعجاز علمی قرآن»، قرآن و علم، تهران، شماره ۷، صص ۱۱-۴۴.
- [۱۸]. رضایی اصفهانی، محمدعلی (بی‌تا). «اعجاز قرآن و ابعاد آن»، دانشنامه موضوعی قرآن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- [۱۹]. رهبری، احمد (۱۳۹۱). *قرآن و باستان شناسی*، تهران، دانشگاه هنر.

- [۲۰]. روحانی مشهدی، فرزانه (۱۳۹۲). *امام مهدی (ع) و سرگذشت پیامبران الهی در قرآن*، تهران، انتشارات منیر.
- [۲۱]. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۰). *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
- [۲۲]. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، الطبعة الثالثة، بیروت، دارالکتاب العربی.
- [۲۳]. سید مرتضی، علی بن الحسین الموسوی (۱۴۲۹). *الموضح عن جهة اعجاز القرآن*، چاپ دوم، مشهد، موسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی.
- [۲۴]. سیوطی، ابوبکر جلال‌الدین (۱۴۲۱). *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتاب العربی.
- [۲۵]. ----- (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- [۲۶]. ----- (بی تا). *معتکب الأقران فی إعجاز القرآن*، دارالفکر العربی.
- [۲۷]. شاذلی، سید بن قطب (۱۴۲۵). *فی ظلال القرآن*، الطبعة ۳۵، بیروت، دار الشروق.
- [۲۸]. ----- (۱۴۱۵). *التفسیر الفنی فی القرآن*، بیروت، دارالشروق.
- [۲۹]. صبحی صالح (۱۳۷۲). *مباحث فی علوم القرآن*، چاپ پنجم، قم، منشورات الرضی.
- [۳۰]. صباغ، محمد بن لطفی (۱۴۱۰). *لمحات فی علوم القرآن واتجاهات التفسیر*، بیروت، المکتب الاسلامی.
- [۳۱]. طالب پور، علیرضا (۱۳۹۱). «مرزهای دانش از دیدگاه قرآن مجید»، اولین همایش اعجاز قرآن کریم، تهران، پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی.
- [۳۲]. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- [۳۳]. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
- [۳۴]. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۵]. عابدی، احمد (۱۳۸۵). «نگرش امام خمینی (ع) به اعجاز قرآن»، شیعه‌شناسی، شماره ۱۴، صص ۲۵-۴۴.
- [۳۶]. عایشه بنت الشاطی (۱۴۰۴). *الاعجاز البیانی للقرآن*، الطبعة الثانية، قاهره، دارالمعارف.
- [۳۷]. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۵). *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، انتشارات هجرت.
- [۳۸]. الفیومی، سعید صلاح (۱۴۲۲). *الاعجاز العددی فی القرآن*، قاهره، مکتبه القدسی.
- [۳۹]. قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۴). «نگرشی به نظریه صرفه»، نامه مفید، قم، شماره ۳، صص ۳۹-۷۶.

- [۴۰]. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- [۴۱]. کاظمی، سید خاور عباس (۱۳۹۱). «اعجاز عرفانی قرآن کریم از منظر امام خمینی»، اولین همایش اعجاز قرآن کریم، تهران، پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۶۰-۶۹.
- [۴۲]. کریمی‌نیا، مرتضی (۱۳۹۲). «ریشه‌های تکوین نظریه اعجاز قرآن و تبیین وجوه آن در قرون نخست»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، تهران، دانشگاه تهران، سال ۴۶، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۴۴.
- [۴۳]. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸). *مجموعه آثار*، تهران، انتشارات صدرا.
- [۴۴]. مکارم، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- [۴۵]. مودب، سیدرضا (۱۳۸۹). «اعجاز تاریخی قرآن»، قرآن و علم، قم، سال چهارم، شماره ۷، صص ۶۹-۹۱.
- [۴۶]. مهدوی‌راد، محمدعلی، روح الله شهیدی (۱۳۹۳). «اندیشه اعجاز: زمینه‌ها و سیر تطوّر آن تا قرن سوم»، پژوهشنامه ثقلین، قم، پردیس فارابی دانشگاه تهران، سال ۱، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۹۰.
- [۴۷]. النوفل، عبدالرزاق (۱۴۰۷). *الإعجاز العددي للقرآن الكريم*، الطبعة الخامسة، بیروت، دارالکتب العربی.